

مهمانی شوم

نویسنده:

آگاتا کریستی

ترجمه:

بهرام افراسیابی

تهران-۱۳۸۹

سرشناسه	: کریستی، آگاتا (میلی)، ۱۸۹۱-۱۹۷۶ م.
عنوان و نام پدید آور	: مهمانی شوم / آگاتا کریستی؛ مترجم / بهرام افراسیابی
مشخصات نشر	: تهران: مهر فام ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهر	: ۲۰۱ ص: ۹×۱۹/۵ س م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۱۵-۰۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب "The complete hercule poirot novels" است.
موضوع	: داستان‌های پلیسی انگلیسی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: افراسیابی، بهرام، ۱۳۲۰ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ م ۹ ۳۸۷ ک / pz۲
رده بندی دیویی	: ۸۲۳/۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۵۴۳۳۳۴



مهمانی شوم
نویسنده : آگاتا کریستی
مترجم : بهرام افراسیابی
لیتوگرافی : باختر
طراح جلد : جواد آتشبار
چاپخانه : مهارت

مصحح : داود جنگی داریان
تایپ و صفحه آرایی : شرکت سپند آسا رایانه (عالیه سلمانی)
نوبت چاپ : اول ۱۳۸۹
شمارگان : ۲۲۰۰ نسخه
قیمت : ۴۰۰۰ تومان
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۱۵-۰۹-۸
مراکز بخش : موسسه انتشاراتی نگاه

صفحه	فهرست
۱۲	فصل اول: مهمانی شوم.....
۱۸	فصل دوم: نفس نمی کشد.....
۲۴	فصل سوم: شانس هم بی تأثیر نیست.....
۳۰	فصل چهارم: آهنگ سفر.....
۳۴	فصل پنجم: نیکوین در جام.....
۴۴	فصل ششم: جیمس غیش می زند!.....
۵۶	فصل هفتم: شورا.....
۶۰	فصل هشتم: در منزل دکتر بارتولومئو.....
۶۸	فصل نهم: سر چارلز کار آگاه می شود.....
۷۶	فصل دهم: سر چارلز نامه مهمی به دست می آورد.....
۸۴	فصل یازدهم: سر چارلز اطلاعات مهمی در اختیار پلیس می گذارد.....
۹۶	فصل دوازدهم: کالبدشکافی مجدد.....
۱۰۴	فصل سیزدهم: قربانی.....
۱۱۲	فصل چهاردهم: کلد آگاه بوارد.....
۱۱۸	فصل پانزدهم: شامدی از غیب!.....
۱۲۲	فصل شانزدهم: هفته منهای جمعه.....
۱۴۰	فصل هفدهم: چهارده منهای یک.....
۱۴۶	فصل هجدهم: چهارده منهای سه.....
۱۵۰	فصل نوزدهم: چهارده منهای چهار.....
۱۵۸	فصل بیستم: چهارده منهای پنج.....
۱۶۲	فصل بیست و یکم: پیام فوری.....
۱۷۲	فصل بیست و دوم: سرنخ.....
۱۷۶	فصل بیست و سوم: فقط چند لحظه تأخیر.....
۱۸۴	فصل بیست و چهارم: ردپا.....
۱۹۲	فصل بیست و پنجم: نمایش.....

شخصیت‌های داستان

- **میس میلر:** دوشیزه‌ای با نیم قرن سن که با پیشنهادش رقم مدعوین از نحوست ۱۳ می‌گذرد و با شرکت در میهمانی و آشنایی با میهمانان نقش مهمی را در این ماجراها می‌آفریند. وی در بازگشت به خانه مسکونی **چارلز فراغ‌بال** می‌خواهد نقشه‌هایش را دنبال کند ولی غافل از آن است که **پوارو** گام به گام به دنبالش آمده و حتی تا غار مخفی هم رفت.....

- **آنتونی آستور:** سناریستی که محبوبیتی نسبی در بین مردم داشت و به عنوان یکی از مدعوین مورد توجه حضار قرار گرفت. وی در واقع با گزینش نام مردان به هر دلیلی می‌خواست جلب توجه کند، چون نام واقعی وی **ویلز بود، خانم ویلز!**

- **سرچارلز:** هنرپیشه‌ی بازنشسته‌ای که برای یاران محفلی مجالس دوستانه‌ای در خانه‌اش تشکیل می‌داد و با گرد آوردن هنرمندان و گپ زدن با آنان از این کار لذت می‌برد. ضمن یکی از همین میهمانی‌ها بود که اتفاق فاجعه‌باری رخ می‌دهد و آقای چارلز جهت یافتن قاتل از هیچ تلاشی باز نمی‌ماند، حتی کیلومترها مسافت را برای حصول بدین هدف طی می‌کند، اما حقیقت را در نهایت.....

- کارآگاه هرکول پوارو: یکی از پناهندگان بلژیکی زمان جنگ است که در انگلستان به سر می برد. وی مشخصات خاص خود را دارد، سیل سیاه و طویل، کلاه شاپوی سیاه، پای لنگ، قد کوتاه، مغز و ذهنی بس بسیط.....

- دکتر بارتولومئو: پزشک متخصص مغز و اعصاب، یار دیرین دوران تحصیل آقای چارلز که در نهایت شگفتی یکی دیگر از تراژدی ها را می آفریند.

- کلنل جانسون: رئیس سخت گیر پلیس که گام به گام با پوارو و دیگران در تلاش جهت یافتن قاتل، قاتله و یا قاتلین به پیش می رود، منتهی آرام و در چارچوب همان معیارهای پلیسی.

خلاصه‌ای از کتاب

کتاب مهمانی شوم را خانم آگاتا کریسنی در سال ۱۹۳۵ نوشت.

این کتاب با دو عنوان انگلیسی و آمریکایی
(MURDER IN THREE ACTS)

(English Title: THREE-ACT TRAGDY)

در سالهای پربار نگارش نویسنده به رشته تحریر درآمد و با استقبال و اقبال خوانندگان روبرو گشت.

همان گونه که از عنوان‌های دوگانه کتاب بر می‌آید، رمان مزبور (Theatrical-Oriented Mystery) است که در پیرامون افراد وابسته به صحنه و تئاتر دور می‌زند. سرچارلز کارترایت (Sir Charles Cartwright) شخصیت اصلی داستان هنرپیشه بازنشسته تئاتر می‌باشد و تمام اعمال و فعالیت‌های داستان تقریباً در همین شخصیت خلاصه می‌شود. قتل‌ها به خودی

خود جو و فضای نشاتر گونه‌ای دارد و از رابطه تنگاتنگ محیط
نشاتری برخوردار است.

اولین قتل در خانه سرچارلز صورت می‌گیرد. این حادثه در
خلال یک ضیافت شام رخ می‌دهد. قربانی مرد دوست‌داشتنی و
محترمی است از جامعه روحانیت و اهل کلیسا به نام **وری
ستیفان بابینگتون** (VeRE Stephen Babbington) نکته
مهم و قابل اهمیت و تعجب‌انگیز این قتل در این واقعیت نهفته است
که هیچ یک از حاضران کمترین کینه و تنفری از کشیش بابینگتون
در دل نداشته، بلکه جملگی وی را دوست داشتند. میهمانان آقای
چارلز همگی اهل هنر و فنون ظریفه هستند و هر یک اخلاق و شیوه
خاص همین حرفه را دارند، و اغلب هم از همان یاران سن و
ساز دیگری دوران پرجوش و خروش سرچارلز محسوب می‌شوند.

آقای ساتر وایت (Satter Waite) یک جامعه‌شناس و
کارشناس هنری است که در مورد درام، نظری صائب و پربها دارد.
یکی دیگر از میهمانان **سربار تلومیواس-سترنج**
(Sir Bartholomew Strange) پزشک متخصص و مشهور مغز
اعصاب می‌باشد که سرچارلز را از زمان‌های خیلی دور یعنی
دوران دبیرستان می‌شناخت. **دوشیزه آنزلاسات کلیف**
(Miss Angela Sut Cliffe) هنرپیشه، نام یکی دیگر از

مدعیون آن شب است و در کنار وی سناریست مشهورتری را به نام دوشیزه ویلز (Miss Wills) می‌بینیم که تحت نام مستعار آنتونی آستور شهرت دارد.

کاپیتان داکرس (Cap Dacres) و عیالش که در حرف خیاطی جزء هنرمندان و خیاطان طراز اول نزد هنرپیشگان خوش‌پوش محبوبیت دارند؟ و نیز جناب کشیش باینگتون و عیالش را در آن شب نشینی نافرجام مشاهده می‌کنیم.

حضور لیدی مری لیتون (Lady Mary Lytton) دخترش گور (Gor) معروف به اگ (Egg) و آقای اولیورماندرس جوانی روزنامه‌نگار که مفتون اگ است، به میهمانی رنگ و رونقی رمانتیک می‌بخشند. در این ضیافت، چهار آقای هرکول پوارو را نیز می‌بینیم که نمی‌تواند با حضورش جلوی قتل را بگیرد و داستان را از همین صفحات نخستین؛ پرشتاب هیجان‌انگیز به پیش می‌برد.

چند هفته بعد از حادثه قتل کشیش استیفان باینگتون سربار تولومبو استرنج کشته می‌شود، درست در همان شرایطی که کشیش کشته شد!

بسیاری از همان میهمانان نیز در این مهمانی هم حضور دارند و احتمال این که بتوان به کسی ظنین شد خیلی مشکل است.

مهمانی شوم/۱۱

مهمانی شوم در نهایت خواننده را در بهت و حیرت فرو می‌برد به طوری که وقتی خواننده کتاب را می‌بندد می‌تواند تمام صحنه‌های آن را حتی بعد از یک‌بار خواندن در ضمیر خود نقش ببندد.

امید است که خوانندگان نیز از مطالعه آن لذت ببرند.....

فصل اول

مهمانی شوم

سرچارلز کارترایت (Sir Charles Cartwright) تقریباً دو سالی می شد که از حرفه هنرپیشگی دست کشیده و به اصطلاح خانه نشین شده بود. سرچارلز برای اهالی لندن به عنوان هنرپیشه ای مقتدر، چهره ای بس شناخته شده و محبوب به شمار می رفت. اجرای نقش های بسیار سنگین در طول زندگی هنری سر کارترایت که در نهایت مهارت و استادی ایفاء می گردید وی را به عنوان هنرپیشه ای ممتاز معرفی کرده بود، چه در هر نمایش نامه ای که صحبت از ایفاءی نقشی حساس و هنرپیشه ای توانا به میان می آمد، بی درنگ نام سرچارلز کارترایت مطرح می گردید. با این وجود و علیرغم سن نه چندان زیادش سرچارلز کار پرزرق و برق تئاتر را کناری نهاد و در خانه ای بس کهنه که معماری آن به قرن قبل باز می گشت، سکنی گزید. این خانه قدیمی و سنتی در واقع بر روی تپه بلندی مشرف بر بندر لوموث (Lomouth) قرار داشت که از آن نقطه تمام تپه و دشت و ساحل به خوبی دیده می شد و انسان احساس می کرد همانند پرنده ای است که از آسمان زمین